



بلاغت کاربردى

درس ۱۲

استاد: سرکار خانم فرخى
آموزشيار: آقاى يزدانى

در درس گذشته با کلام انشایی و ویژگی های آن آشنا شدیم و فرا گرفتیم که کلام انشایی بر خلاف کلام خبری واقعیتهای فرای لفظ ندارد تا تطابق و عدم تطابقش با آن سنجیده شود بلکه معنای خود را با لفظ ایجاد می کند. یکی از مهم ترین و کاربردی ترین اقسام انشاء، «امر» است که در متون اسلامی نیز به وفور استفاده شده و فهم آنها را بر فهم خود متوقف کرده است و چون در بسیاری از موارد در معنای غیر حقیقی به کار رفته شناخت معنای غیر حقیقی و چگونگی تشخیص آنها در کلام را اهمیت بسزایی بخشیده است. این درس معنای حقیقی امر و معنای غیر حقیقی آن را به همراه راه تشخیص هر کدام به ما می آموزد.

فصل دوم: «امر»

در معانی طلبی آیات زیر دقت کنید:

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»^۱.
۲. «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»^۲.
۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ»^۳.
۴. «فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ»^۴.
۵. «وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ»^۵.
۶. «رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ»^۶.
۷. «فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ»^۷.
۸. «إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ»^۸.
۹. «اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^۹.
۱۰. «فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ»^{۱۰}.

درباره معنای طلبی در آیات بالا پرسش های زیر طرح می شود که این درس توانایی پاسخ به آنها را به دانش پژوهان عزیز می دهد.

- چه الفاظی معنای طلب را رسانده است؟
- طلب در آنها چه تفاوتی دارد؟
- غلو (برتری حقیقی) یا استعلاء (خود را برتر جلوه دادن) در کدام یک از آیات وجود دارد؟

تعریف امر و صیغه های آن

۱. تحریم ۶۷.

۲. نور ۳۳.

۳. مائده ۱۰۵.

۴. محمد ۴.

۵. بقره ۲۲۸.

۶. نمل ۱۹.

۷. کهف ۱۹.

۸. بقره ۲۸۲.

۹. فصلت ۴۰.

۱۰. بقره ۲۵۸.

خواستن کاری از روی برتر دیدن خود را «امر» گویند.

برای امر سه صیغه وضع شده که آنها اصلی محسوب می‌شوند و غیر آنها هر چه بر امر دلالت کند نیابی محسوب شده و نیاز به قرینه دارد.

صیغه‌های اصلی عبارتند از :

۱. فعل امر مانند (قُوا) در آیه شریفه اول و (اتَّقُوا) در آیه «وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»^۱.

۲. فعل مضارع مجزوم به لام امر مانند (لَيَسْتَجِيبُوا) در آیه مبارکه دوم و (لَيَسْتَجِيبُوا) در آیه «فَلَيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»^۲.

۳. اسم فعل امر مانند (عليكم) در آیه شریفه سوم که به معنای (أَلْزَمُوا) می‌باشد و مانند (هاتوا) در آیه «هَاتُوا بُهَانَكُمْ»^۳ و (وَي) در آیه «وَيَكَاَنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ»^۴.

و از جمله صیغه‌های نیابی و فرعی امر موارد زیر را می‌توان نام برد.

۱. مصدری که نایب از فعل امر است مانند (ضَرَبَ الرُّقَابِ) در آیه شریفه چهارم که به معنای (اضربوا الرقاب ضرباً) می‌باشد و استعمال مصدر به جای فعل امر در آیه علاوه بر معنای طلبی، تاکید آن را به همراه اختصار می‌فهماند.

۲. جمله خبری که در جایگاه امر استعمال شده مانند آیه پنجم که به معنای «وَالْمُطَلَّقاتُ لَيَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ» می‌باشد و چه بسا دلالت خبری که به جای امر استعمال شده بر طلب و الزام قوی تر و تاکید بیشتری داشته باشد زیرا مطلوب از شدت طلب مانند آنچه که در آینده موجود می‌شود قرار داده شده و متکلم از آن خبر می‌دهد به گونه‌ای که راهی برای ترک آن باقی نمی‌گذارد.

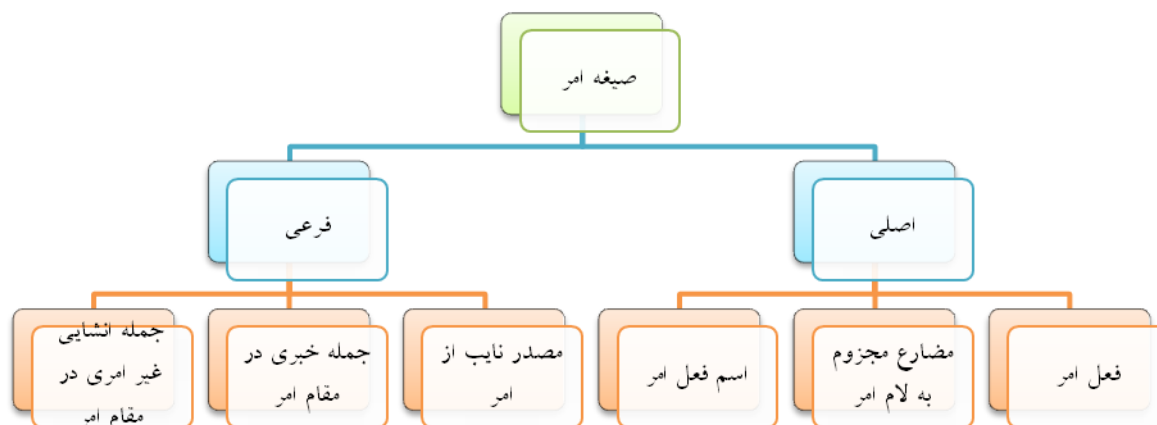
۳. جمله انشایی (غیر امری) که در جایگاه امر استعمال شده که توضیح آن در باب استفهام و غیر آن می‌آید.

۱. حشر / ۱۸.

۲. بقره / ۱۸۶.

۳. بقره / ۱۱۱.

۴. قصص / ۸۲.



SCO۱: ۷: ۴۱

معانی امر

الف) معنای حقیقی^۱

صیغه امر برای طلب فعل بر جهت استعلاء (خود را برتر دانستن و برتری کردن) وضع شده است زیرا با شنیدن صیغه- های امر این معنی به ذهن تبادر می کند و فهمیده می شود.^۲ و دلیل بر این که استعلاء در معنای امر نهفته است این می - باشد که اگر امرکننده ای برتری حقیقی نداشته باشد و قرینه ای بر عدم استعلاء نیاورد او را بی ادب می دانند. زیرا ظاهر امر نزد مردم در صورتی که قرینه بر خلاف نباشد الزام است و لازمه الزام استعلاء است.^۳

ب) معنای غیر حقیقی^۴

گاهی امر به قرینه لفظ یا مقام از معنای طلب خارج شده و در معنای دیگری که مطابق با مقتضای حال است استعمال می شود؛ این خروج گاهی به این صورت است که امر معنای طلبی نداشته باشد و گاهی معنای طلب دارد ولی بر وجه استعلاء نیست، این امر نیز از معنای حقیقی خارج شده است اگر چه از عالی (شخصی که رتبه آن بالاتر است) صادر شده باشد.

^۱ موضوع له (وضعی).

^۲ همان گونه که خطیب قزوینی گفته است.

^۳ به عبارت دیگر عرف از امر او استعلاء فهمیده است و چون استعلاء شخصی که برتری حقیقی نسبت به دیگران ندارد زشت است عرف او را بی ادب می شمرد و اگر عرف از امر استعلاء نمی فهمید وجهی برای بی ادب دانستن وی وجود نداشت.

^۴ غیر موضوع له (غیر وضعی).

معانی غیر وضعی برای امر فراوان است که از جمله آنها می‌توان موارد زیر را نام برد :

۱. دعاء: مانند فعل‌های امر در آیه ششم که حضرت سلیمان علیه السلام در گفتگوی با خداوند بلری تعالی با فروتنی و خشوع خواسته‌های خودش را می‌خواهد؛ این نوع طلب سافل (کسی که رتبه او پایین تر است) از عالی را که خالی از استعلاء می‌باشد را «دعاء» می‌نامند که بیشتر با ناله و زاری همراه است .

۲. التماس: در جای که شخص از هم رتبه خودش چیزی را بدون استعلاء و تضرع بخواهد مانند فعل‌های امر در آیه هفتم که اصحاب کهف خواستند که یکی از آنها به شهر برود و غذا تهیه کند.

۳. ارشاد: در جایی که شخص قصد نصیحت و ارشاد به راه درست را داشته باشد و هیچ الزامی نکند مانند فعل «اُکْتُبُوا» در آیه هشتم.

۴. تهدید: وقتی کسی با حالت ترساندن به چیزی که دوست ندارد امر کند اگر آن چیز برای کسی که به او امر شده مقدور باشد امر در معنای تهدید استعمال شده است مانند فعل «اعْمَلُوا» در آیه مبارکه نهم و فعل امر در آیه شریفه «قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ»^۱.

۵. تعجیز: اگر مامور به برای کسی که به او امر شده مقدور نباشد و متکلم بخواهد با این امر ناتوانی او را برساند امر در معنای تعجیز استعمال شده است مانند فعل «فَاتِ» که خداوند سخن حضرت ابراهیم را حکایت می‌کند.

۶. اباحه: اگر امر به یک چیزی پس از منع آن صادر شود معنای اباحه (مباح بودن) را افاده می‌کند مانند فعل امر در آیه شریفه «وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا»^۲.

۷. اذن (اجازه دادن): مانند فعل امر در آیه شریفه «فَأَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ» که با توجه به آیات پیش از آن بر این معنی دلالت می‌کند.

SC02: ۱۶: ۴۷

۸. تسویه (برابر کردن): مانند فعل امر در آیه مبارکه «فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا»^۳ که به قرینه عطف فعل «لَا تَصْبِرُوا» به حرف «أَوْ» بر آن و ادامه آیه (سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ) دلالت بر مساوی بودن صبر و عدم صبر می‌کند.

۹. تخییر: مانند فعل امر در آیه کریمه «فَمِ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا نِصْفَهُ أَوْ انْقُصَ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ»^۴ که به قرینه حرف عطف «أَوْ» دلالت بر تخییر می‌کند.

فرق «اباحه، اذن، تسویه و تخییر»

۱. ابراهیم ۳۰/

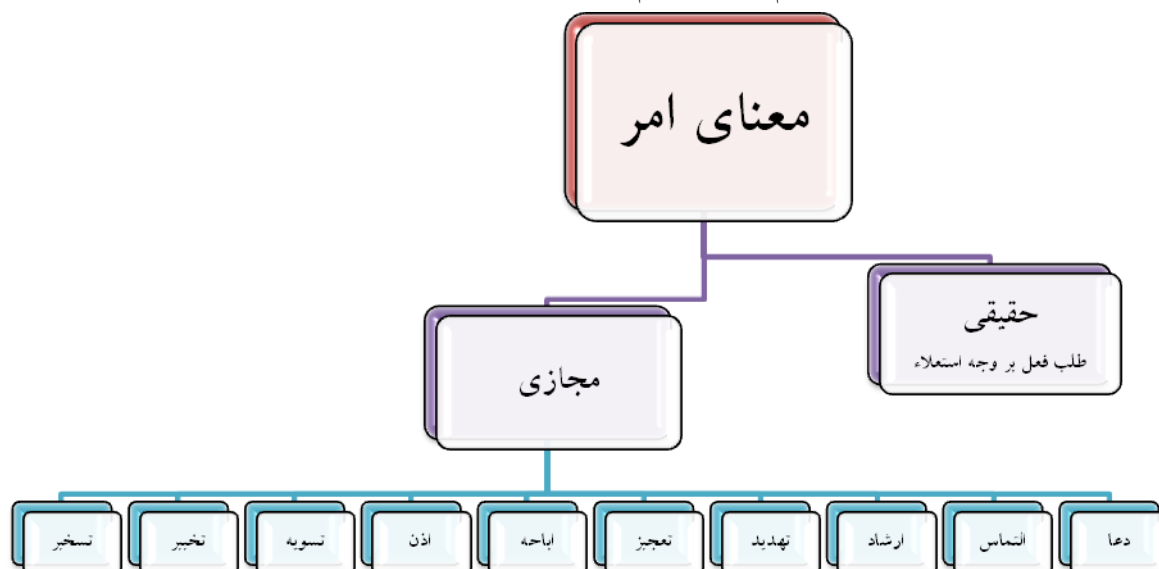
۲. مائده ۲/

۳. طور ۱۶/

۴. مزمل ۲/ تا ۴.

فرق چهار مورد اخیر این است که هر کدام برای غرض خاصی به کار می رود؛ اباحه برای بیان جواز و برداشتن توهم خلاف آن، تسویه برای برداشتن توهّم منفعت در انتخاب یکی از دو فعل بدون بیان جواز یا عدم جواز آن، اذن برای بیان جواز یک فعل از ابتداء و تخییر برای طلب یک فعل از میان دو یا چند فعل به همراه بیان جواز ترک یکی از آن دو به گونه مانعه الخلو به کار می رود.

۱۰. تسخیر (خوار کردن): مانند فعل امر در آیه مبارکه «كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ»؛ تکوینی بودن امر در این آیه با تسخیری بودن آن تنافی ندارد زیرا تکوین اعم از تسخیر است و تسخیر همان گونه که سیوطی گفته از تذلیل (خوار کردن و اهانت کردن) اخص است^۲ زیرا تسخیر عبارت از خوار کردن است که با غلبه قدرت صورت بگیرد.^۳ همه معانی بالا که در کتاب های تفسیر، علوم قرآن و علم معانی ذکر شده مجازی بوده و نیاز به قرینه دارد.



پژوهش

^۱. بقره ۶۵.

^۲. الانتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی، م ۹۱۱ هـ، دار الفکر لبنان، ج ۲ ص ۲۱۹.

^۳. التبیان، شیخ طوسی، م ۴۶۰، دار احیاء التراث العربی، ج ۵ ص ۴۸۳.

برای این بخش معانی دیگری هم هست، مثل : اهان، دوام، تکوین، شماتت، اعتبار، امتنان، تأدیب، تعجب، تأکید، اکرام، انذار، احتقار، تحسیر، تهلکم، تکذیب و با مراجعه به کتابهای تفسیر و علوم بلاغی مثال هایی برای آنها بیاورید.

ملاک فهم معنای غیر حقیقی امر

ملاک در خروج امر از معنای حقیقی به سمت معنای غیر حقیقی این است که اراده معنای حقیقی ممکن نباشد یا ممکن باشد ولی ظاهر نباشد یا ظاهر باشد ولی معنای غیر حقیقی ظهورش اقوی باشد. برای تعیین معنای غیر حقیقی باید به ظهور کلام که توسط قرینه های لفظی و مقامی و همچنین مقتضای حال بدست می آید توجه کرد و درک این ظهور نیاز به ذوق سلیم و دقت در کلام و حواشی آن دارد . نکته دیگویی این است که تنها ظهور کلام است که قابل تبعیت است از این رو تا زمانی که معنای به حد ظهور نرسد حمل لفظ بر آن معنی صحیح نیست.

تمرین

در آیات زیر امر در چه معنایی استعمال شده است ؟

۱. «لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُفْقِمْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ». طلاق/۷
۲. «وَلَا يَضْرِبَنَّ بِالرُّجُلَيْنِ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفَيْنِ مِنْ زِينَتِهِنَّ». نور/۳۱
۳. «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ». اعراف/۱۹۹
۴. «فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ». توبه/۲۴
۵. «فَاتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ». يونس/۳۸
۶. «آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا». اسراء/۱۰۷
۷. «كُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ». بقره/۱۸۷
۸. «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ». فاتحه/۶
۹. «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». يس/۸۲
۱۰. «فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ». توبه/۸۲
۱۱. «هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ». توبه/۳۵
۱۲. «يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ». بقره/۳۵

SC03: ۲۴:۵۶

چکیده

۱. امر عبارت از خواستن کاری به همراه استعلاء (برتری یا خود را برتر جلوه دادن) می باشد.

۲. آنچه بر امر دلالت می‌کند بر دو نوع اصلی و نیایی می‌باشد.
۳. دلالت فعل امر، فعل مضارع مجزوم به لام امر و اسم فعل از نوع اصلی و دلالت غیر این سه صیغه نیایی می‌باشد.
۴. دلالت مصدر نایب از فعل امر، جمله خبری و جمله های انشایی غیر امری که در مقام امر استعمال شده اند، دلالت نیایی است.
۵. معنای حقیقی امر طلب فعل به همراه استعلاء می باشد از این رو امر در هر معنای دیگری که استعمال شود غیر حقیقی بوده و نیاز به قرینه دارد.
۶. معنای غیر حقیقی امر فراوان است مانند دعاء، التماس، ارشاد، تهدید و تعجیز که در کتابهای تفسیر و علوم قرآنی و همچنین کتابهای بلاغت از آنها نام برده شده است.
۷. اصل در هر لفظی اراده معنای حقیقی آن است، در امر هم اصل، اراده معنای طلب بر وجه استعلاء می باشد و زمانی امر بر غیر این معنی حمل می شود که اراده این معنی ممکن نباشد یا ظاهر نباشد و یا ظاهر هم می باشد ولی آن معنای دیگر ظهورش قوی تر باشد.
۸. پس از درک این مطلب که امر در معنای غیر حقیقی استعمال شده برای تعیین معنای مجازی باید به ظهور کلام توجه کرد و درک ظهور کلام نیاز به ذوق سالم و دقت در قراین لفظی و مقامی دارد.
۹. تنها ظهور کلام است که حجت است و قابل استناد است از این رو تا دلالت لفظی به حد ظهور نرسد نمی توان لفظ را بر آن حمل کرد.